

## ارزیابی همگرایی و واگرایی بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری: آزمون نظریه مدیریت ذینفعان

عبدالله حسین زاده

دانش آموخته دکترای حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
a.hossainzadeh.acc@gmail.com

سیدمحمود موسوی شبیری

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Mousavi1973@yahoo.com

زهره حاجیها

دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
drzhajiha@gmail.com

هاشم نیکومرام

استاد، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
nikoomaram@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۸

### چکیده

علی رغم اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری در تصمیم گیری های اقتصادی و انجام پژوهش های گسترده در این خصوص، عدم وجود یک چارچوب نظری مدون جهت تحلیل و تفسیر کیفیت و تعدد معیارها باعث سردرگمی ذی نفعان شده است. از سوی دیگر مدیریت ذینفعان می تواند سنگ محکی برای شناسایی معیارهای مرتبط با منافع ذینفعان و تحلیل نوع گرایش بین آن ها باشد. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی چگونگی تغییرگرایش روابط بین این معیارها با در نظر گرفتن مدیریت منافع ذی نفعان به عنوان یک عامل موثر در فرآیند حاکمیتی است. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد همبستگی انجام شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۶۳ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ می باشد. داده های جمع آوری شده به روش داده های ترکیبی و رگرسیون حداقل مربعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین مدیریت منافع ذی نفعان و معیارهای مرتبط با ویژگی های کیفیت اطلاعات حسابداری ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. هم چنین ارتباط معنی داری بین مدیریت منافع ذی نفعان و معیارهای مرتبط با گروه های بیرونی مشاهده نگردید. علاوه بر این، مدیریت منافع ذی نفعان باعث تغییر گرایش روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری به صورت همگرایی و واگرایی گردید. لذا اول اینکه ناظران بازار سرمایه، حسابرسان و ذینفعان توجه شرکت به مدیریت منافع ذینفعان را می توانند به عنوان یک پیام مثبت در خصوص ارائه منصفانه صورت های مالی در نظر بگیرند. دوم، قانون گذاران جهت وضع مقررات مربوط به ارتقاء کیفیت از منظر ذی نفعان می بایست به معیارهای مرتبط با ویژگی های اطلاعات حسابداری توجه بیشتری نمایند.

**واژه های کلیدی:** کیفیت اطلاعات حسابداری، مدیریت منافع ذی نفعان، همگرایی، واگرایی.

## ۱- مقدمه

کیفیت اطلاعات حسابداری از جمله مفاهیمی مورد علاقه گروه های مختلف ذی نفع در شرکت می باشد. علت این امر نیز به دلیل محدودیت های ذاتی در اندازه گیری های حسابداری و استفاده از روش هایی است که در دنیای واقعی قابل اثبات نمی باشد. بر همین اساس، هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و بین المللی در بخش نخست چارچوب مفهومی مشترک، نیاز به گزارشگری مالی با کیفیت بالا را بیان می کنند. این در حالی است که چینگ و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند کیفیت اطلاعات در طول زمان کاهش یافته است و باید از معیارهای عینی تر مانند جریانات نقدی عملیاتی جهت ارزیابی عملکرد شرکت استفاده کرد. به عنوان مثال سود اعلام شده به عنوان عملکرد واحد تجاری، یکی از اطلاعات مهم حسابداری برای ذی نفعان می باشد، که بنابر نظریه نمایندگی ممکن است سود توسط مدیران تحریف شده باشد. لذا کیفیت اطلاعات حسابداری از جمله کیفیت سود به عنوان یکی از ویژگی های گزارشگری مالی است که به وسیله معیارهای مختلفی اندازه گیری می شود و شاخص ریسک مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی محسوب می شود (ژانگ، ۲۰۱۸). با این وجود، در ادبیات حسابداری به طور دقیق مشخص نیست که کدام یک از معیارها، نقش بااهمیت تری را ایفا می نماید (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۳). به عنوان مثال، برخی از مطالعات (فان و ژانگ، ۲۰۱۲) محافظه کاری را به عنوان عامل کیفیت می دانند و برخی دیگر از مدیریت سود به عنوان یکی از معیارهای رایج اندازه گیری کیفیت استفاده می کنند (کیم و همکاران، ۲۰۱۲). از این رو، کیفیت اطلاعات حسابداری یک مفهوم چند بعدی است که تاکنون پژوهشگران با ارائه معیارهای مختلف در جهت اندازه گیری آن، به روش واحدی دست نیافته اند. با این حال، اگر در ارزیابی کیفیت اطلاعات حسابداری تنها یک بعد یا مجموعه محدودی از ابعاد آن در نظر گرفته شده و مورد بررسی قرار گیرد، ممکن است نتیجه حاصله در این رابطه اشتباه باشد (ولوری و جنسن، ۲۰۰۶). هم چنین علی رغم تلاش های بسیار زیاد برای دقت بیشتر کیفیت اطلاعات حسابداری و ارائه یک چارچوب نظری، همچنان این مفهوم کاملاً مبهم است. برای مثال، اسپچیر و وینسنت (۲۰۰۳) کیفیت را از دیدگاه اقتصادی معرفی می کنند. دیچو و اسپچرند (۲۰۰۴) آن را به عنوان معیار عملکرد واقعی شرکت تعریف می نمایند. از سوی دیگر بر اساس چارچوب مفهومی استانداردهای بین المللی (۲۰۱۰) مقصود از گزارشگری مالی با هدف عمومی، تهیه اطلاعات مالی در گزارشگری واحد تجاری است تا این اطلاعات برای تصمیم گیری های سرمایه گذاران فعلی و بالقوه، وام دهندگان و سایر اعتباردهندگان در خصوص تامین منابع واحد

تجاری مفید باشد. لذا می توان بیان کرد که هیات تدوین کننده استانداردهای بین المللی فقط به نیاز سرمایه گذاران توجه نکرده بلکه نیاز عمومی تامین کنندگان منابع مالی را مورد توجه قرار داده است. از این رو به جای توجه به مدیریت سهامدار باید به مدیریت ذی نفعان توجه نمود. هم چنین بر اساس نظریه ذی نفعان، شرکت یک نهاد اجتماعی است که در مقابل مجموعه عواملی وسیع تر از مالکان خود مسئول و پاسخگو می باشد (دونالدسون و پرستون، ۱۹۹۵). بنا بر دیدگاه فریمن (۱۹۸۳) مدیریت ذی نفعان به عنوان فرآیند حاکمیت سازمانی تشریح می شود که به موجب آن، همه طرف هایی که می توانند در اهداف سازمان تأثیر بگذارند یا تحت تأثیر قرار گیرند در تصمیم های سازمان نقش آفرین باشند. لذا بنابر نظریه مدیریت ذی نفعان انتظار می رود مدیریت منافع ذی نفعان، کیفیت اطلاعات حسابداری را بهبود بخشد. هم چنین روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری در واکنش به مدیریت منافع ذی نفعان به عنوان یک متغیر حاکمیتی مورد بررسی قرار می گیرد که آیا معیارهای مزبور همگرا می باشند یا واگرا؟

علی رغم انجام پژوهش های گسترده در دو دهه گذشته در حوزه کیفیت اطلاعات حسابداری و ارائه مدل هایی در این خصوص، اولاً کیفیت اطلاعات حسابداری بیشتر از منظر نظریه نمایندگی و مدیریت سهامداران مورد توجه قرار گرفته است ثانیاً روابط بین معیارهای موجود در واکنش به یک عامل تعیین کننده مانند مدیریت منافع ذی نفعان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در پژوهش های مرتبط با کیفیت اطلاعات حسابداری، از معیارهای متعددی جهت اندازه گیری کیفیت استفاده شده است، که نظریه ها در خصوص ارتباط بین این معیارها اطلاعات کمی ارائه می کند. این موضوع اهمیت بنیادی برای تفسیر نتایج پژوهش های مرتبط دارد. به عنوان مثال در برخی از پژوهش ها از یک یا چند معیار برای اندازه گیری اطلاعات حسابداری استفاده می شود، یا چندین معیار تجمیع و به یک امتیاز در خصوص کیفیت در نظر گرفته می شود (ایورت و واگین هوفر، ۲۰۱۵). هم چنین طبق دیدگاه بی بر و همکاران (۲۰۱۹) معیارهای موجود به دلیل عدم توانایی تشخیص بین عدم اطمینان در گزارشات مالی مرتبط با ماهیت بنیادی شرکت و پارازیت های مرتبط با گزارشگری یا تحریفات حسابداری، مورد انتقاد قرار گرفته است. از این رو و با توجه به عدم جمع بندی در خصوص مفهوم کیفیت اطلاعات حسابداری و معیارهای مختلف جهت اندازه گیری آن، ضروری است پژوهش هایی در این خصوص انجام گیرد. انجام این پژوهش ها ادبیات نظری کیفیت اطلاعات حسابداری را توسعه خواهد داد و با عبور از نظریه نمایندگی، توجه بیشتر به نظریه ذی نفعان را جهت انجام پژوهش های آتی مطرح می سازد. هم چنین با توجه

به نتیجه پژوهش باقری و صادقیان ندوشن (۱۳۹۵) مبنی بر اینکه حقوق شرکت های ایرانی صرفاً سهامدار را به رسمیت می شناسد و توجهی به چگونگی پیدایش شخصیت حقوقی شرکت و ماهیت اجتماعی آن و شناسایی ذی نفعانی دیگر مثل کارکنان، مشتریان و تامین کنندگان مالی و... نمی کند، سیاست گذاران در حسابداری از جمله سازمان حسابرسی و نقش پردازان در بازار سرمایه از جمله بورس اوراق بهادار و سایر سازمان های موثر، صرفاً در جهت منافع سهامداران تصمیم گیری نکنند و با گسترش دامنه ذی نفعان در سیاست گذاری های خود به منافع سایر گروه های ذی نفع از جمله اعتباردهندگان (بانک ها و موسسات اعتباری)، کارکنان و... توجه نمایند. دستاوردهای این پژوهش اول این است که در بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری کدام معیار به منافع ذی نفعان (نه صرفاً سهامداران) به عنوان یک شاخص از منظر نظریه ذی نفعان نزدیک تر است. دوم، معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری در واکنش به مدیریت منافع ذی نفعان به عنوان یکی از فرآیندهای حاکمیت شرکتی موثر، همگرا یا واگرا هستند. به عبارت دیگر، کدام یک از معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری از منظر منافع ذی نفعان می توانند جانشین یکدیگر باشند و کدام معیارها مکمل هستند.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- نظریه ذینفعان و نقش آن در حسابداری

بر اساس دیدگاه فریمن (۱۹۸۴)، نظریه ذینفعان ایجاد ارزش را به عنوان یک محرک اصلی واحد تجاری در نظر می گیرد که می بایست همه گروه های ذینفع در تحقق این ارزش افزوده سهم خود را دریافت کنند. لذا ذینفعان گروه هایی فراتر از سهامداران و مدیران می باشند و همه نقش ها در جامعه که ممکن است در عملیات شرکت منفعت داشته باشند را در بر می گیرد. این نظریه یک نظریه مدیریتی محسوب می شود زیرا به نحوه انجام وظایف مدیران اشاره می کند و از نزدیک با رویه های تجاری، ایجاد ارزش و تجارت مرتبط است (لاپلوم و همکاران، ۲۰۰۸). به علاوه مطابق این نظریه، اگر چه سهامداران یکی از مهمترین گروه های ذینفع می باشند ولی نباید تنها ذینفع شرکت در نظر گرفته شوند. هم چنین سود یک بعد حیاتی از فعالیت های شرکت می باشد که در پی ارزش آفرینی ذینفعان تحقق می یابد. بر اساس دیدگاه دونالدسون و پرستون (۱۹۹۵) نظریه ذینفعان می تواند از سه رویکرد توصیفی، ابزاری و هنجاری (اخلاقی) مورد آزمون قرار گیرد. رویکرد توصیفی استفاده تجربی از نظریه جهت ترسیم چگونگی مطابقت مفاهیم با واقعیت را مطرح می کند و پس از شناسایی ذینفعان قدرتمند و موثر بر سازمان، در پی توجه به خواسته ها و منافع آنها حرکت می کند. رویکرد ابزاری ارتباط

بین مدیریت ذینفعان و عملکرد چند بعدی شرکت را نشان می دهد. مطابق این رویکرد توجه به ذینفعان ابزاری برای رسیدن به اهداف شرکت می باشد. اما رویکرد هنجاری (اخلاقی) نظریه ذینفعان به دنبال تعیین رفتار و انگیزه های اساسی اقدامات ذینفعان می باشد. هم چنین مطابق این رویکرد مدیران در انجام فعالیت های شرکت باید به رهنمودهای اخلاقی توجه نمایند زیرا اولاً ذینفعان در فعالیت های شرکت دارای منافع مشروع می باشند و ثانیاً منافع تمام گروه های ذینفع دارای ارزش ذاتی است. نظریه ذینفعان دارای منافع مشروع می باشند و ثانیاً منافع تمام گروه های ذی نفع دارای ارزش ذاتی است نظریه ذینفعان دارای ایده های کلیدی می باشد که عبارتند از اول، شرکت ها از شبکه های روابط بین ذینفعان مختلف که سازمان را تشکیل می دهند به وجود آمده اند. بدین ترتیب ذینفعان به عنوان هر گروه یا فردی که می تواند بر سازمان تأثیر بگذارد و یا از سازمان تأثیر بپذیرد، تعریف می شود. دوم وظیفه اصلی مدیران، ایجاد ارزش برای ذینفعان می باشد که جهت رسیدن به این ایده باید منافع ذینفعان مختلف در پیگیری ایجاد منافع متقابل همسو گردد. سوم اکثر تصمیمات تجاری دارای محتوای اخلاقی می باشد. بنابراین اگر چه تصمیمات اخلاقی و تجاری دو سازه جدا از هم می باشند، اما آن ها باید به عنوان جنبه های یکپارچه کسب و کار در جهت ارزش آفرینی دیده شوند و چهارم، شرکت ها بر اساس یک هدف خاص به وجود آمده اند که گروه های ذینفع را در کنار یکدیگر قرار داده است. لذا این هدف فراتر از سودآوری صرف می باشد (فریمن و همکاران، ۲۰۱۰). گرین وود و گاموچی (۲۰۱۳) بر اهمیت ذینفعان در حسابداری تأکید دارند، به خصوص ذینفعانی که دانش با ارزشی برای شرکت دارند. بر این اساس اطلاعاتی که شرکت به ذینفعان در فرآیند حسابداری ارائه می کند، آن ها تصمیم می گیرند که دانش، منابع و کار خود را در اختیار شرکت قرار دهند یا خیر. هم چنین کر و لودیا (۲۰۱۸) تأکید می کنند که مشارکت ذینفعان در حسابداری و فرآیند گزارش دهی، سازمان ها را قادر می سازد تا نگرانی ها، ادراکات، نیازها و انتظارات مادی ذی نفعان را شناسایی نمایند. در همین راستا، فیجیو و همکاران (۲۰۱۴) توصیه می کنند که نظرات ذینفعان مختلف مورد توجه قرار می گیرد تا باعث بهبود اعتبار و شفافیت گزارش دهی شود. طبق نظر کرین و همکاران (۲۰۱۵) نظریه ذی نفعان، از مدیران این انتظار را دارد که منافع همه ذی نفعان را ملاحظه نماید، اما ابزارهای کمی برای تحقق این مهم برای مدیران فراهم کرده است. به عبارتی ضعف عمده نظریه ذی نفعان، عدم ارائه معیار عمومی برای وزن دهی و ایجاد توازن بین منافع گروه های مختلف می باشد. ولی فرایند حسابداری به طور مستقیم و از طریق اندازه گیری و اولویت

خود داشته باشند (پریور و همکاران، ۲۰۰۸). هم چنین چوی و همکاران (۲۰۱۳) استدلال می کنند مدیرانی که منفعت شخصی خود را با تحریف اطلاعات سود دنبال می کنند، قادرند منافع خود را از طریق مشغول شدن به فعالیت های مسئولیت اجتماعی شرکتی به دست آورند. لذا مطابق این دیدگاه مدیریت ذینفعان منجر به کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری می شود.

### ۳-۲- بسط فرضیه های پژوهش

در یک شرکت ذینفعان شامل سهامداران، بستانکاران، مدیران، کارکنان، مشتریان، تأمین کنندگان، جوامع محلی و عموم مردم می باشد. به گفته مارچ و سیمون (۱۹۵۸) هر یک از این گروه ها می توانند به عنوان تأمین کننده منابع حیاتی به شرکت تلقی شوند که در ازای آن، انتظارات و منافع خود را برآورده می کنند. سهامداران به شرکت سرمایه می دهند و در عوض، آنها انتظار دارند که شرکت بازده تعدیل شده با ریسک سرمایه گذاری آنها را به حد اکثر برساند. اعتباردهندگان به شرکت ها منابع مالی ارائه می دهند و در عوض انتظار دارند که وام هایشان طبق برنامه بازپرداخت شود. مدیران و کارکنان، زمان، مهارت و تعهدات سرمایه انسانی را به شرکت ارائه می دهند. در عوض، آنها انتظار درآمد عادلانه و شرایط کاری مناسب دارند. مشتریان به شرکت درآمد می دهند و انتظار دارند که ارزش پولی خود را دریافت کنند. تأمین کننده ها به شرکت نهاده های اولیه ارائه داده و به دنبال قیمت مناسب و خریداران قابل اعتماد هستند. جوامع محلی و عموم مردم، به عنوان مالیات دهندگان، به شرکت زیرساخت های ملی را ارائه می دهند و در عوض، آنها انتظار دارند که به کیفیت زندگی آسیب وارد نکنند و قوانین این بازی ایجاد شده توسط مردم را از طریق عوامل قانونی خود نقض نکنند. هم چنین بر اساس نظریه ذی نفعان شرکت ها بسیار بزرگ شده اند و تأثیر آنها آن چنان بر جامعه عمیق است که باید برای ایفای مسئولیت خود به غیر از سهامداران به بخش های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. در نتیجه نه تنها ذی نفعان هستند که از شرکت تأثیر می پذیرند بلکه آنها نیز به روش خود بر شرکت تأثیر می گذارند. ذی نفعان در شرکت دارای سهام نیستند اما دارای نفع می باشند. رابطه ذی نفع به عنوان یک تعامل توصیف شده است در جایی که گروه های ذی نفع با مشارکت خود کمک لازم را به شرکت ها رسانده و پیش بینی می شود که منافع آنان از طریق تشویق و ایجاد انگیزه تأمین شود. با استفاده از این چارچوب تحلیلی می توان عموم جامعه را به عنوان ذی نفع شرکت در نظر گرفت زیرا آنها با پرداخت مالیات، زیرساخت هایی را برای انجام عملیات شرکت ها فراهم می کنند. از سوی دیگر، مطابق مقدمه چارچوب

بندی منافع ذی نفعان بر آن ها تأثیری گذارد. حسابداری انعطاف پذیر است و به طور مؤثری توسط مدیران برای نزدیک کردن منافع گوناگون و ناسازگار ذی نفعان به کار برده می شود و در نهایت اینکه حسابداری قادر است رویدادها و فرآیندهای پیچیده را به اندازه گیری های پولی تبدیل کند.

### ۲-۲- مدیریت ذینفعان و فرضیه های رقیب در ارتباط با کیفیت اطلاعات حسابداری

مدیریت ذینفعان یکی از مولفه های اصلی موفقیت هر پروژه، برنامه یا فعالیت می باشد. ذینفع هر فرد، گروه یا سازمانی است که می تواند تحت تاثیر یک فعالیت قرار بگیرد و یا بر یک فعالیت تاثیر می گذارد (سودن و آیس، ۲۰۱۱). بر اساس دیدگاه هریسون و همکاران (۲۰۱۰) مدیریت ذینفعان در جستجوی شناخت و درک نحوه تاثیر اقدامات شرکت بر رفاه ذینفعان می باشد. به عبارت دیگر شرکت این پیام را به ذینفعان می دهد که نحوه تاثیرپذیری رفاه آن ها از سیاست های اتخاذ شده شرکت قابل درک می باشد. لذا شرکت ها باید تابع مطلوبیت هر یک از ذینفعان را از طریق شناسایی عوامل اصلی مطلوبیت و کسب آگاهی در مورد وزن نسبی هر یک از این عوامل به دست آورند. بنابراین در مدیریت ذینفعان، مدیران باید به نظرها و منافع گروه های ذینفع در تصمیم گیری های شرکت توجه نمایند (فریمن و فلیپس، ۲۰۰۲). در نظریه مدیریت ذینفعان به عنوان یکی از نظریه های مسئولیت پذیری اجتماعی (اشرافی و همکاران، ۱۳۹۸) دو دیدگاه رقیب جهت توجه مدیران به مسئولیت پذیری اجتماعی و منافع ذینفعان مطرح می باشد. دیدگاه اول معتقد است شرکت هایی که تعهد زیادی به مسئولیت پذیری اجتماعی دارند، با توجه به اینکه تحقق سود نامطلوب را پنهان نمی کنند کمتر دچار مدیریت سود می شوند و در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش می یابد (چیچ و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به اینکه مدیریت سود در مسئولیت پذیری اجتماعی یک عمل غیرمسئولانه محسوب می شود لذا تمایل بیشتری به ارائه منصفانه صورت های مالی دارند (چوی و همکاران، ۲۰۱۳). هم چنین طبق نظر کیم و همکاران (۲۰۱۲) شرکت هایی که تلاش و منابع خود را صرف طراحی برنامه های مسئولیت پذیری اجتماعی می کنند، با اجرای این برنامه ها منافع اخلاقی ذینفعان را دنبال می نمایند و باعث افزایش شفافیت و ارائه صورت های مالی قابل اتکاتری می شود و از این رو، کیفیت اطلاعات حسابداری بیشتر می شود. اما برعکس، دیدگاه دوم بیان می کند مدیرانی که مدیریت سود می نمایند، ممکن است از مسئولیت اجتماعی شرکت ها و توجه به منافع گروه های ذینفع به عنوان یک تصمیم راهبردی جهت پنهان کردن رفتار فرصت طلبانه

مفهومی استانداردهای بین المللی (۲۰۱۰) صورت های مالی نیازهای عمومی اکثر استفاده کنندگان (نه صرفا سهامداران) را برآورده می سازد زیرا تقریبا تمامی استفاده کنندگان به دنبال تصمیم گیری اقتصادی هستند. از جمله تصمیم گیری در خصوص زمان خرید، نگهداری و یا فروش یک سرمایه گذاری، ارزیابی نظارت یا پاسخگویی مدیریت، ارزیابی توانایی واحد تجاری در پرداخت و ارائه سایر منافع به کارکنانش، ارزیابی در خصوص ریسک وام دادن به واحد تجاری، تعیین سیاست های مالیاتی، تعیین سودهای قابل توزیع و تقسیم سود، تهیه و استفاده از آمارهای درآمد ملی و تدوین مقررات برای فعالیتهای واحد تجاری. و در ادامه فصل اول این چارچوب مفهومی، مقصود از گزارشگری مالی با هدف عمومی، تهیه اطلاعات مالی در گزارشگری واحد تجاری است تا این اطلاعات برای تصمیم گیری های سرمایه گذاران فعلی و بالقوه، وام دهندگان و سایر اعتباردهندگان در خصوص تامین منابع واحد تجاری مفید باشد. لذا می توان بیان کرد که هیات تدوین کننده استانداردهای بین المللی فقط به نیاز سرمایه گذاران توجه نکرده بلکه نیاز عمومی تامین کنندگان منابع مالی را مورد توجه قرار داده است. هم چنین چارچوب مفهومی گزارشگری مالی (۲۰۱۸) خصوصیات کیفی مثل مربوط بودن، قابلیت مقایسه و به موقع بودن را از جمله خصوصیات می داند که برای سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان جهت اتخاذ تصمیم گیری اقتصادی مفید می باشد (ادوان و همکاران، ۲۰۲۰). از این رو به جای توجه به مدیریت سهامدار باید به مدیریت ذی نفعان توجه نمود.

کیفیت اطلاعات یک شرکت نشان دهنده میزان شفافیت و پاسخگویی به ذی نفعان در روش های حسابداری مورد استفاده می باشد. به عنوان مثال در شرکت هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری بیشتر است، احتمال ارتکاب تقلب در حسابداری کاهش می یابد (کروتچلی و همکاران، ۲۰۰۷). هم چنین مدیریت ذی نفعان نوع خاصی از فرآیند حاکمیتی است که بر مشارکت فراگیر همه طرف های موثر بر تصمیمات سازمان تاکید دارد، تعریف می شود. با این تعریف، فرآیندهای حاکمیت موثر ذی نفعان نسبت به همه ذی نفعان سازمان شفافیت دارد و لذا مدیران برای همه تصمیماتی که از سوی آن ها می گیرند، پاسخگو می باشند. بنابراین سازمان هایی که در مدیریت موثر ذی نفعان مشارکت می کنند، معمولا از رویه های حسابداری استفاده می کنند که باعث شفافیت و پاسخگویی شود. از این رو، هنگامی که کیفیت اطلاعات بیشتر است، فرآیندهای حاکمیتی شفاف می باشند و مدیریت موثر ذی نفعان باید منجر به کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر خواهد شد. علاوه بر این، تقاضای ذی نفعان قدرتمند مثل سهامداران جهت کسب ثروت بیشتر ممکن

است باعث شود که مدیر اطلاعات حسابداری را در جهت منافع این گروه گزارش نماید، که در این صورت ممکن است مدیریت سود اتفاق بیفتد و کیفیت اطلاعات حسابداری کاهش یابد. اما اگر مدیر به منافع گروه های مختلف توجه کند، تحت تاثیر فشارهای گروه های قدرتمند قرار نمی گیرد و لذا احتمال کمتری دارد که اقدام به مدیریت سود و در نتیجه کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری گردد. در این راستا پژوهش متینگی و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که مدیریت موثر ذی نفعان منجر به بهبود کیفیت سود می شود و شرکت ها در این حالت کمتر درگیر مدیریت سود تعهدی می شوند. هم چنین بر اساس پژوهش پریور و همکاران (۲۰۰۸) مدیران ممکن است سود را در جهت منافع شخصی شان از طریق هزینه های سهامداران و سایر ذی نفعان انجام دهند. توماس لای (۲۰۱۶) بیان می کند که گزارشگری مالی در چرخه تجاری دو هدف اصلی را دنبال می کند که از یک سو، بدهی های مالیاتی و سود باقی مانده جهت توزیع بین سهامداران را تعیین می کند و از سوی دیگر، می بایست به ذی نفعان بیشتری درباره ارزش مطالبات صریح و ضمنی خود در شرکت اطلاعات دهند. لذا بر این اساس می توان استدلال نمود که کیفیت اطلاعات حسابداری لزوما برای تصمیم گیری سهامداران مورد استفاده قرار نمی گیرد و سایر گروه های ذی نفع نیز به این معیار توجه دارند. بر اساس دیدگاه دیچو و همکاران (۲۰۰۹) معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری از منظر دقت سود، به دو طبقه معیارهای مرتبط با ویژگی های اطلاعات و معیارهای بیرونی تقسیم می شود. معیارهای مرتبط با ویژگی های اطلاعات شامل پایداری، به موقع بودن، قابلیت پیش بینی، اقلام تعهدی و... می باشد. اما معیارهای بیرونی که متکی بر شواهدی از منابع بیرونی است شامل مربوط بودن ارزش، تجدید ارائه و کنترل های داخلی می باشد. علی رغم استفاده زیاد از این معیارها، نظریه ها و ادبیات حسابداری کمتر در خصوص اینکه این معیارها سازه مشابهی دارند، جنبه های مختلفی از یک سازه هستند و یا سازه های متفاوتی دارند و آیا این معیارها جانشین یا مکمل یکدیگر هستند، را ارائه می نمایند (ایورت و واگین هوفر، ۲۰۱۵). در این راستا پژوهش های مختلفی در خصوص ارتباط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری با در نظر گرفتن یک عامل تعیین کننده یا پیامد مشابه مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال یافته های پژوهش ایورت و واگین هوفر (۲۰۱۵) بر اساس نظریه انتظارات عقلایی یک مدیر که به دنبال این است قیمت سهام و سود افزایش و هم چنین سود هموار باشد، نشان می دهد که معیارهای مربوط بودن ارزش و پایداری معیارهایی هستند که انطباق بیشتری با یکدیگر دارند و پس از آن دو، معیارهای قابلیت پیش بینی و

- به جهت همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
  - در طول دوره زمانی پژوهش، پایان سال مالی آن‌ها تغییر نکرده باشد.
  - شرکت‌های صنایع واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها به دلیل ماهیت متفاوت عملیات آن‌ها، نباید جزء نمونه انتخابی باشند.
  - اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها به صورت سالانه به‌طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
- لذا با توجه به محدودیت‌های اشاره شده و مطابق جدول شماره ۱ شرکت‌های نمونه شامل ۱۶۳ شرکت می‌باشد.

جدول ۱- فرآیند انتخاب شرکت‌های نمونه

| تعداد شرکت | شرح  |
|------------|--|
| ۴۶۷        | شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۶          |
| (۱۱۳)      | شرکت‌هایی که پایان دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه نمی‌باشد     |
| (۸۶)       | شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، بانک، بیمه                    |
| (۴۷)       | شرکت‌هایی که تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت داشته‌اند                |
| (۵۸)       | شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها برای محاسبه متغیرهای پژوهش در دسترس نیست |
| ۱۶۳        | شرکت‌های نمونه   |

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است زیرا با استفاده از نتایج این پژوهش، برای حل مسائل اجرایی و کاربردی استفاده می‌شود. این پژوهش رویکردی قیاسی - استقرایی دارد و در پژوهش‌های همبستگی جز تحلیل‌های رگرسیونی هست و از نظر ماهیت داده‌ها، پژوهش کمی هست.

#### ۴- مدل آزمون فرضیه و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها، از معیارهای مرتبط با ویژگی‌های کیفیت اطلاعات حسابداری شامل معیارهای پایداری سود، قابلیت پیش‌بینی و ارقام تعهدی اختیاری و معیارهای مرتبط با گروه‌های بیرونی شامل مربوط بودن ارزش و تجدید ارائه استفاده شده است.

هموارسازی می‌باشند. اما معیار ارقام تعهدی اختیاری انطباق کمی با سایر معیارها دارد. هم چنین باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۳) نیز به این نتیجه رسیدند که بین عدم هموارسازی و محافظه کاری رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها (حصارزاده و همکاران، ۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهند که بین بیشتر معیارهای مرسوم کیفیت، ارتباط معنی داری وجود دارد و این ارتباطات در برخی از موارد معکوس است و برخی دیگر از پژوهش‌ها (کاظمی علوم و همکاران، ۱۳۹۷؛ جونز و همکاران، ۲۰۰۷ و دیچو و همکاران، ۱۹۹۵) نشان می‌دهند که بین معیارهای کیفیت همگرایی کاملی وجود ندارد. هم چنین دیچو و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند اگر کیفیت یک سازه تنها باشد و معیارهای مختلف فقط آن را با درجات دقت مختلف اندازه‌گیری کنند، انتظار می‌رود اعتبار همگرایی در بین معیارهای مختلف برای عوامل تعیین‌کننده مشابه و پیامدهای مشابه وجود داشته باشد. و لذا اگر یک عامل تعیین‌کننده خاص با همه معیارها مرتبط نباشند، یا اگر معیارهای مختلف پیامدهای مشابهی نداشته باشند، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که معیارهای مختلف کیفیت سازه‌های متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کنند. در این راستا حسین زاده و همکاران (۱۳۹۹) با تفکیک معیارهای کیفیت به دو دسته معیار ترکیبی و انعکاسی نتیجه‌گیری نمودند که همگرایی بین معیارهای انعکاسی بیشتر از معیارهای ترکیبی می‌باشد و مولفه‌های انگیزشی بدهی و مالیاتی این همگرایی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این احسان و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند ذی نفعان تأثیر زیادی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود دارند اما هنوز فعل و انفعالات ابعاد مختلف ذی نفعان در این ارتباط جمع بندی نشده است. هم چنین نتیجه پژوهش چوی و وانگ (چوی و وانگ، ۲۰۰۹) نشان داد که داشتن روابط مطلوب با ذی نفعان و برقراری تعادل بین منافع آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت تأثیر مثبت و معنی داری دارد و موثر بر پایداری عملکرد مالی نیز است. بنابراین، فرضیه‌های این پژوهش به صورت زیر تدوین گردیده است:

**فرضیه اول:** مدیریت منافع ذی نفعان با معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری ارتباط معنی داری دارد.

**فرضیه دوم:** مدیریت منافع ذی نفعان روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری را تعدیل می‌کند.

#### ۳- روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ هستند که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

رابطه شماره ۱

$$IQ1_{it} = \beta_0 + \beta_1 IQ2_{it} + \beta_2 IQ3_{it} + \beta_3 IQ4_{it} + \beta_4 IQ5_{it} + \beta_5 SM_{it} + \beta_6 IQ2_{it} * SM_{it} + \beta_7 IQ3_{it} * SM_{it} + \beta_8 IQ4_{it} * SM_{it} + \beta_9 IQ5_{it} * SM_{it} + \beta_{10} AQ_{it} + \beta_{11} IOBit + \beta_{12} OCit + \varepsilon_{it}$$

که در آن

$IQ$  (Information quality): کیفیت اطلاعات حسابداری که در این پژوهش از معیارهای مربوط بودن ارزش، پایداری سود، قابلیت پیش‌بینی سود، افلام تعهدی اختیاری و تجدید ارائه استفاده گردیده است، که هر یک به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

(۱) مربوط بودن ارزش: ضریب واکنش سود شاخصی برای تعیین واکنش پذیری بازده (قیمت سهام) به تغییرات سود شرکت است. هر چه تغییرات سود با شدت بیشتری با بازده سهام شرکت ارتباط داشته باشد، دارای کیفیت بالاتری خواهد بود. این معیار مطابق پژوهش ایستون و هریس (۱۹۹۱) از طریق رابطه شماره ۱ اندازه‌گیری می‌شود.

رابطه شماره ۲

$$RET_t = \beta_0 + \beta_1 E_t + \beta_2 \Delta E_t + \varepsilon_t$$

که در آن  $RET$ : بازده سهام،  $E$ : سودخالص سال جاری،  $\Delta E$ : تغییرات سودخالص سال جاری نسبت به سال قبل.

(۲) پایداری سود: برای اندازه‌گیری پایداری سود بر اساس پژوهش‌های پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) از برآورد مدل سود نسبت به سود با وقفه‌ی مرتبه اول استفاده می‌شود. در این مدل  $\beta_1$  ضریب پایداری سود هست و هر چه  $\beta_1$  بیشتر و به عدد یک نزدیک‌تر باشد، سود پایدارتر و در نتیجه دارای کیفیت بالاتری خواهد بود. این معیار از طریق رابطه شماره ۲ اندازه‌گیری می‌شود.

رابطه شماره ۳

$$E_t = \beta_0 + \beta_1 E_{t-1} + \varepsilon_t$$

که در آن  $E_t$ : سودخالص سال جاری،  $E_{t-1}$ : سود خالص سال قبل.

(۳) قابلیت پیش‌بینی: به معنای توان استفاده از اطلاعات سود برای پیش‌بینی اطلاعات آتی است. اطلاعات آتی می‌تواند سود و یا جریان‌های نقدی باشد. برای اندازه‌گیری قابلیت پیش‌بینی سود بر اساس پژوهش داوار (۲۰۱۵) از مدل رگرسیونی که در رابطه شماره ۳ آورده شده است، استفاده می‌شود:

رابطه شماره ۴

$$CFO_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 E_t + \varepsilon_t$$

که در آن  $CFO_{t+1}$ : جریان‌ات نقدی عملیاتی سال آتی،  $E_t$ : سود خالص سال جاری.

(۴) افلام تعهدی اختیاری: کیفیت افلام تعهدی به کمک مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) اندازه‌گیری شده است. معیار کیفیت افلام تعهدی، انحراف معیار خطای باقی‌مانده این مدل بوده و کمتر بودن این عدد بیانگر کیفیت بیشتر سود است. این معیار از رابطه شماره ۴ اندازه‌گیری می‌شود.

رابطه شماره ۵

$$\Delta WC_t = \beta_0 + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \beta_4 \Delta sales_t + \beta_5 PPE_t + \varepsilon_t$$

که در آن  $\Delta WC_t$ : تغییرات خالص سرمایه در گردش غیرنقدی در سال جاری نسبت به سال قبل،  $CFO_{t-1}$ : جریان‌ات نقدی سال قبل،  $CFO_t$ : جریان‌ات نقدی سال جاری،  $CFO_{t+1}$ : جریان‌ات نقدی سال آتی،  $\Delta sales_t$ : تغییرات فروش در سال جاری نسبت به سال قبل و  $PPE_t$ : جمع دارایی‌های ثابت.

(۵) تجدید ارائه: تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز می‌تواند بیانگر ابهام در خصوص سود سال‌های گذشته و در نتیجه کیفیت پایین آن‌ها هست. بر این اساس اگر نسبت مبلغ تعدیلات سنواتی بر سود شرکتی برابر یا بیشتر از نسبت میانگین صنعت گردد یک و در غیر این صورت صفر هست.

#### مدیریت منافع ذی نفعان (SM)

با در نظر گرفتن پژوهش‌های گذشته در خصوص مفهوم مدیریت ذی نفعان از قبیل کلارسون (۱۹۹۵) و هریسون و همکاران (۲۰۱۰)، گروه‌های ذی نفع شامل سهامداران (سرمایه‌گذاران)، اعتباردهندگان (اعطا کنندگان تسهیلات مالی)، دولت، تامین کنندگان و کارکنان می‌باشند و بر اساس رهنمودهای کرین و همکاران (۲۰۱۵) و پژوهش گل محمدی شورکی و همکاران (۱۳۹۶) منافع دولت، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تامین کنندگان مواد اولیه و کارکنان را می‌توان به ترتیب با متغیرهای مالیات بر درآمد پرداختی، سود تقسیمی پرداختی به سهامداران، سود تضمین شده پرداختی بابت تسهیلات مالی که در صورت جریان وجوه نقد منعکس می‌شود اندازه‌گیری نمود. وجوه پرداختی به تامین کنندگان و حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنان نیز با مراجعه به یادداشت‌های توضیحی نمونه مورد مطالعه و از طریق روابط زیر اندازه‌گیری خواهند شد: وجوه پرداختی به تامین کنندگان: مواد مستقیم و غیر مستقیم مصرف شده + تغییرات در موجودی مواد اولیه

شناسایی شده اند حداکثر عدد قابل اختصاص ۲۰ و حداقل عدد نیز ۵ خواهد بود. اعداد بزرگتر به منزله مدیریت مؤثرتر گروه های ذینفع و اعداد کوچک تر به منزله مدیریت ضعیف تر گروه های ذینفع می باشد.

### متغیرهای کنترل

**AQ** (audit quality): کیفیت حسابرسی که اگر حسابرس سازمان حسابرسی باشد یک و در غیر این صورت صفر است.  
**IOB** (Independence of Board): نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره هست.  
**OC** (Ownership Concentration): درصد تمرکز مالکیت، که برابر است با مجموع درصد سهام سهامدارانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را دارا هست.

### ۵- یافته‌های پژوهش

#### ۵-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است. با توجه به اینکه در این پژوهش متغیرهای تجدید ارائه و کیفیت حسابرس به صورت دوجویی ( صفر یا یک) هست لذا جدول مربوط به آمار توصیفی آن‌ها در قالب فراوانی و درصد فراوانی به صورت مجزا ارائه گردیده است. با توجه به نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه به خصوص در متغیرهای مدیریت منافع ذی نفعان و کنترلی می توان بیان کرد که متغیرهای پژوهش از توزیع آماری مناسبی برخوردار هستند.

حقوق پرداختی به کارکنان: حقوق مستقیم + حقوق غیرمستقیم + حقوق و دستمزد اداری و فروش  
 برای محاسبه میزان تقابل بین ذی نفعان (مدیریت ذی نفعان)، ابتدا نسبت جریانات نقدی پرداختی به هر یک از گروه های ذینفع به کل جریانات نقدی ورودی یک شرکت محاسبه می شود (این نسبت نشان می دهد که مدیریت شرکت، چه درصدی از جریانات نقدی را برای یک گروه ذینفع خاص منظور می نماید) و در وهله بعد، نسبت های محاسبه شده برای شرکت ها با توجه به صنعتی که در آن حضور دارند، به صورت نزولی مرتب و به چهار چارک تقسیم بندی می شوند. چارک اول به منزله شرکت هایی است که توانسته اند گروه های ذینفع را به نحو مؤثرتری مدیریت کنند. برای شرکت های موجود در این چارک عدد ۴ تخصیص داده می شود و همین طور به ترتیب برای چارک های دوم، سوم و چهارم، اعداد ۳ و ۲ و ۱ تخصیص می یابد. این محاسبات برای هر یک از پنج گروه ذینفع معرفی شده به طور مستقل انجام می شود؛ چرا که ممکن است در شرکتی، تأمین منافع یک گروه ذینفع خاص نسبت به بقیه گروه های ذینفع از اولویت بیشتری برخوردار باشد و متعاقباً درصد بیشتری از جریانات نقدی برای آن گروه اختصاص یابد. همان طور که بیان شد، با توجه به اینکه مدیریت ذینفعان در ادبیات و پیشینه نظری به منزله تأمین متعادل منافع کلیه گروه های ذینفع است؛ لذا برای ارائه شاخصی مناسب از مدیریت ذینفعان، اعداد محاسبه شده برای هر یک از گروه های ذینفع با توجه به صنعت مربوطه با یکدیگر جمع می شود تا هم زمانی تأمین منافع ذینفع نیز لحاظ شود. با توجه به اینکه پنج گروه عمده در این روش

جدول ۲- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش

| متغیر کمی             | نماد | میانگین | میانه  | کمترین | بیشترین | انحراف معیار |
|-----------------------|------|---------|--------|--------|---------|--------------|
| پایداری سود           | EP   | ۰.۴۵۵   | ۰.۵۲۹  | -۱.۰۰۵ | ۱.۷۴۳   | ۰.۴۷۹        |
| قابلیت پیش‌بینی سود   | EPA  | ۰.۳۲۷   | ۰.۱۱۵  | ۲۳.۲۵  | ۰.۰۳۶   | ۱.۸۲۳        |
| مربوط بودن ارزش       | VR   | ۰.۱۱۸   | ۰.۰۲۷  | -۰.۱۴۳ | ۰.۸۱۳   | ۰.۲۵۴        |
| اقلام تعهدی اختیاری   | ACC  | ۰.۱۱۷   | ۰.۰۶۸  | ۰.۰۰۰  | ۲.۲۶۵   | ۰.۲۴۴        |
| مدیریت منافع ذی نفعان | SM   | ۱۲.۵۲۰  | ۱۲.۰۰۰ | ۵.۰۰۰  | ۲۰.۰۰۰  | ۱۲.۵۲۰       |
| استقلال هیئت‌مدیره    | IOB  | ۰.۶۴۸   | ۰.۶    | ۰.۰۰۰  | ۱.۰۰۰   | ۰.۱۷۷        |
| درصد مالکیت عمده      | OC   | ۰.۷۴۸   | ۰.۷۷۴  | ۰.۰۰۰  | ۰.۹۹۷   | ۰.۱۵۷        |

| متغیر دوجویی | نماد | فراوانی کد | فراوانی کد | درصد فراوانی کد | درصد فراوانی کد |
|--------------|------|------------|------------|-----------------|-----------------|
| تجدید ارائه  | RET  | ۳۳۷        | ۱۱۳۰       | ۷۷.۰۳           | ۲۲.۹۷           |
| کیفیت حسابرس | AQ   | ۳۲۵        | ۱۱۴۲       | ۷۷.۸۵           | ۲۲.۱۵           |

تعهدی اختیاری کمترین انحراف معیار را دارند که بیانگر این است در بین شرکت های نمونه این دو معیار نزدیک به میانگین

در بین معیارهای کیفیت سود به جز معیار تجدید ارائه که به صورت دوجویی می باشد، معیارهای مربوط بودن ارزش و اقلام



می باشد. در معیار تجدید ارائه حدود ۲۳ درصد از شرکت های نمونه تجدید ارائه نموده اند. نزدیکی میانگین و میانه متغیر مدیریت منافع ذی نفعان بیانگر این است که توزیع این متغیر نزدیک به توزیع نرمال می باشد. در متغیرهای کنترلی، استقلال هیئت مدیره با میانگین ۰.۶۴۸ نشان می دهد که اعضای غیرموظف هیئت مدیره بیشتر از اعضای موظف می باشد و اکثر شرکت های نمونه درصد مالکیت عمده بالای ۵۰ درصد را دارند و در متغیر کیفیت حسابرس نشان می دهد که حدود ۲۲ درصد از شرکت های نمونه توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته اند.

باشد، باید از روش اثرهای تصادفی استفاده کرد و در غیر این صورت از روش اثرهای ثابت استفاده می شود. با توجه به اینکه احتمال آماره F کمتر از ۰.۰۵ می باشد لذا در مدل های ۱، ۲، ۳ و ۴ از داده های تابلویی استفاده می شود. هم چنین نتایج آزمون هاسمن نشان می دهد در همه مدل ها از روش اثرات ادغام شده استفاده می شود.

در ارتباط با مدل ۵ که مدل پانل لجستیک بوده است، بر اساس معیار آکائیک دو حالت پانل لجستیک ساده و پانل با اثرات ثابت زمان برازش داده شده است.

همان طور که نتایج در جدول شماره ۴ نشان می دهد، مدل پانل لجستیک با اثرات تصادفی به عنوان مدل نهایی تایید می شود. نتایج آزمون فرضیه های اول و دوم پژوهش که با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام گردیده، در جدول شماره ۵ آورده شده است.

#### ۱-۲-۵- نتیجه آزمون فرضیه اول

این فرضیه به دنبال بررسی ارتباط معنی دار بین مدیریت منافع ذی نفعان و معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری می باشد. همان طور که در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است، مدیریت منافع ذی نفعان با معیارهای پایداری سود، قابلیت پیش بینی و اقلام تعهدی اختیاری در سطح پذیرش خطای ۱۰ درصد ارتباط مثبت و معنی داری دارند. ضرایب مدیریت منافع ذی نفعان برای هر یک از این معیارها به ترتیب ۰.۰۱، ۰.۹ و ۸.۴۱۴ می باشد. در این فرضیه ارتباط معنی داری بین مدیریت منافع ذی نفعان و معیارهای مربوط بودن ارزش و تجدید ارائه مشاهده نگردید.

۲-۵- آزمون فرضیه ها

برای آزمون فرضیه اول در خصوص بررسی ارتباط معنی دار بین مدیریت منافع ذی نفعان و معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری و آزمون فرضیه دوم در خصوص بررسی تعدیل روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری در واکنش به مدیریت منافع ذی نفعان از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. به منظور انتخاب بین روش داده های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج F لیمر، در صورتی که احتمال آماره F بیشتر از ۰.۰۵ باشد، باید از روش داده های تلفیقی استفاده کرد و در غیر این صورت از روش داده های تابلویی استفاده می شود. جهت انتخاب بین اثرهای ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که به این صورت می باشد، اگر احتمال آماره کای دو بیشتر از ۰.۰۵

جدول ۳- آزمون تخمین مدل به وسیله داده های ترکیبی

| سطح   | آزمون F لیمر |        |                  | آزمون هاسمن |        |
|-------|--------------|--------|------------------|-------------|--------|
|       | آماره        | احتمال | نتیجه            | آماره       | احتمال |
| مدل ۱ | Inf          | ۰.۰۰۰  | داده های تابلویی | ۰.۶۶۴       | ۰.۹۹۲  |
| مدل ۲ | Inf          | ۰.۰۰۰  | داده های تابلویی | ۰.۲۹۶       | ۱.۰۰۰  |
| مدل ۳ | Inf          | ۰.۰۰۰  | داده های تابلویی | ۰.۲۱۹       | ۱.۰۰۰  |
| مدل ۴ | Inf          | ۰.۰۰۰  | داده های تابلویی | ۰.۴۹۵       | ۱.۰۰۰  |

جدول ۴- نتایج مربوط به آزمون معیار آکائیک

| سطح   | معیار آکائیک     |                    |                      |
|-------|------------------|--------------------|----------------------|
| مدل ۵ | پانل لجستیک ساده | پانل با اثرات ثابت | پانل با اثرات تصادفی |
|       | ۱۵۸۶.۷۱          | ۱۵۸۳.۱۲            | ۱۵۳۷.۵۴              |

| متغیر وابسته                        | متغیر مستقل           | نتیجه آزمون | نوع رابطه      |
|-------------------------------------|-----------------------|-------------|----------------|
| معیارهای مرتبط با ویژگی های اطلاعات | مدیریت منافع ذی نفعان | تایید       | مثبت           |
| معیارهای مرتبط با گروه های بیرونی   | مدیریت منافع ذی نفعان | رد          | عدم وجود رابطه |

جدول ۶- خلاصه نتیجه آزمون فرضیه اول

$$IQ1_{it} = \beta_0 + \beta_1 IQ2_{it} + \beta_2 IQ3_{it} + \beta_3 IQ4_{it} + \beta_4 IQ5_{it} + \beta_5 SM_{it} + \beta_6 IQ2_{it} * SM_{it} + \beta_7 IQ3_{it} * SM_{it} + \beta_8 IQ4_{it} * SM_{it} + \beta_9 IQ5_{it} * SM_{it} + \beta_{10} AQ_{it} + \beta_{11} IOB_{it} + \beta_{12} OC_{it} + \varepsilon_{it}$$

| متغیر                 | نماد   | متغیر وابسته: پایداری سود |         |              | متغیر وابسته: قابلیت پیش بینی |         |              | متغیر وابسته: ارقام تعهدی |         |              | متغیر وابسته: مربوط بودن ارزش |         |              | متغیر وابسته: تجدید ارائه |         |              |
|-----------------------|--------|---------------------------|---------|--------------|-------------------------------|---------|--------------|---------------------------|---------|--------------|-------------------------------|---------|--------------|---------------------------|---------|--------------|
|                       |        | مدل ۱                     |         |              | مدل ۲                         |         |              | مدل ۳                     |         |              | مدل ۴                         |         |              | مدل ۵                     |         |              |
|                       |        | ضریب                      | آماره T | مقدار احتمال | ضریب                          | آماره T | مقدار احتمال | ضریب                      | آماره T | مقدار احتمال | ضریب                          | آماره T | مقدار احتمال | ضریب                      | آماره T | مقدار احتمال |
| مقدار ثابت            | C      | ۰.۲۴۹                     | ۷.۸۵۲   | ۰.۰۰۰        | ۰.۳۴۳                         | ۰.۹۴۷   | ۰.۰۰۰        | ۰.۳۴۳                     | ۰.۹۴۷   | ۰.۰۰۰        | ۰.۲۲۳                         | ۱۱.۷۲   | ۰.۰۰۰        | -۱.۰۵۶                    | -۱.۴۷۶  | ۰.۳۴         |
| پایداری سود           | EP     |                           |         |              |                               |         |              |                           |         |              |                               |         |              |                           |         |              |
| قابلیت پیش بینی       | EPA    | ۰.۰۳۴                     | ۲.۴۸۵   | ۰.۰۱۲        | ۰.۳۸۵                         | ۰.۵۸۳   | ۰.۵۵۹        | ۰.۳۴۳                     | ۰.۹۴۷   | ۰.۰۰۰        | ۰.۲۲۳                         | ۱۱.۷۲   | ۰.۰۰۰        | -۱.۰۵۶                    | -۱.۴۷۶  | ۰.۳۴         |
| ارقام تعهدی           | ACC    | -۰.۰۱۳                    | -۳.۰۰۲  | ۰.۰۰۲        | -۰.۳۴۳                        | -۱.۳۵۳  | ۰.۰۰۲        | -۰.۳۴۳                    | -۱.۳۵۳  | ۰.۰۰۲        | -۰.۳۴۳                        | -۱.۳۵۳  | ۰.۰۰۲        | -۰.۳۴۳                    | -۱.۳۵۳  | ۰.۰۰۲        |
| مربوط بودن ارزش       | VR     | ۰.۱۲۳                     | ۱.۲۷۳   | ۰.۲۰۳        | ۰.۲۰۳                         | ۰.۲۰۳   | ۰.۲۰۳        | ۰.۲۰۳                     | ۰.۲۰۳   | ۰.۲۰۳        | ۰.۲۰۳                         | ۰.۲۰۳   | ۰.۲۰۳        | ۰.۲۰۳                     | ۰.۲۰۳   | ۰.۲۰۳        |
| تجدید ارائه           | RES    | ۰.۰۴۴                     | ۴.۱۸۹   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۴۴                         | ۰.۰۴۴   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۴۴                     | ۰.۰۴۴   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۴۴                         | ۰.۰۴۴   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۴۴                     | ۰.۰۴۴   | ۰.۰۰۰        |
| مدیریت ذی نفعان       | SM     | ۰.۰۰۱                     | ۱.۹۲۶   | ۰.۰۵۴        | ۰.۰۰۱                         | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                         | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        |
| کیفیت حسابرسی         | AQ     | ۰.۰۰۳                     | ۰.۶۸۸   | ۰.۴۹۲        | ۰.۰۰۳                         | ۰.۰۰۳   | ۰.۰۰۳        | ۰.۰۰۳                     | ۰.۰۰۳   | ۰.۰۰۳        | ۰.۰۰۳                         | ۰.۰۰۳   | ۰.۰۰۳        | ۰.۰۰۳                     | ۰.۰۰۳   | ۰.۰۰۳        |
| استقلال هیئت مدیره    | IOB    | ۰.۰۶۳                     | ۶.۵۷۱   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۶۳                         | ۰.۰۶۳   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۶۳                     | ۰.۰۶۳   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۶۳                         | ۰.۰۶۳   | ۰.۰۰۰        | ۰.۰۶۳                     | ۰.۰۶۳   | ۰.۰۰۰        |
| تمرکز مالکیت          | OC     | ۰.۱۵۹                     | ۱۴.۵۸   | ۰.۰۰۰        | ۰.۱۵۹                         | ۰.۱۵۹   | ۰.۰۰۰        | ۰.۱۵۹                     | ۰.۱۵۹   | ۰.۰۰۰        | ۰.۱۵۹                         | ۰.۱۵۹   | ۰.۰۰۰        | ۰.۱۵۹                     | ۰.۱۵۹   | ۰.۰۰۰        |
| پایداری سود * م ذ     | EP*SM  |                           |         |              |                               |         |              |                           |         |              |                               |         |              |                           |         |              |
| قابلیت پیش بینی * م ذ | EPA*SM | ۰.۰۰۱                     | ۰.۶۶    | ۰.۵۰۹        | ۰.۰۰۱                         | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                         | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        |
| ارقام تعهدی * م ذ     | ACC*SM | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۷    | ۰.۹۴۴        | ۰.۰۰۱                         | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                         | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        | ۰.۰۰۱                     | ۰.۰۰۱   | ۰.۰۰۱        |
| مربوط بودن ارزش * م ذ | VR*SM  | -۰.۰۰۱                    | -۰.۱۷۸  | ۰.۸۵۹        | -۰.۰۰۱                        | -۰.۰۰۱  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۱                    | -۰.۰۰۱  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۱                        | -۰.۰۰۱  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۱                    | -۰.۰۰۱  | ۰.۰۰۰        |
| تجدید ارائه * م ذ     | RES*SM | -۰.۰۰۳                    | -۴.۱۹۵  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۳                        | -۰.۰۰۳  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۳                    | -۰.۰۰۳  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۳                        | -۰.۰۰۳  | ۰.۰۰۰        | -۰.۰۰۳                    | -۰.۰۰۳  | ۰.۰۰۰        |
| معیار آکائیک (AIC)    |        |                           | ۳۵۳.۵۳۹ |              |                               |         | ۴.۸۰۹        |                           |         |              |                               |         | ۱۰۹.۷۸۵      |                           |         | ۱۵۸۸.۳۴۶     |
| آماره F               |        |                           | ۸.۶۹    |              |                               |         | ۹۰.۶۳        |                           |         |              |                               |         | ۲.۳۹         |                           |         | ۲.۶۸         |
| مقدار احتمال          |        |                           | ۰.۰۰۰   |              |                               |         | ۰.۰۰۴        |                           |         |              |                               |         | ۰.۰۰۰        |                           |         | ۰.۰۱۷        |

۲-۵- نتیجه آزمون فرضیه دوم

این فرضیه تعدیل (همگرایی و واگرایی) روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری را در واکنش به مدیریت منافع ذی نفعان بررسی می نماید. جهت آزمون این فرضیه ۵ مدل برازش شده است که در هر کدام به ترتیب پایداری سود، قابلیت پیش بینی، ارقام تعهدی، مربوط بودن ارزش و تجدید ارائه به عنوان متغیر وابسته و سایر معیارها به عنوان متغیر مستقل آورده شده است. با توجه به اینکه در این فرضیه ارتباط بین معیارهای کیفیت اطلاعات بدون در نظر گرفتن متغیر مدیریت منافع ذی نفعان و با در نظر گرفتن این متغیر به صورت متغیر تعدیل کننده مقایسه می گردد، لذا از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و در هر مدل ارتباط چهار معیار به صورت هم زمان با معیار پنجم که به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، مورد بررسی قرار می گیرد. هنگامی که اثر ضرب هر معیار در متغیر مدیریت منافع ذی نفعان با معیاری که به عنوان متغیر وابسته آمده است، دارای ارتباط مثبت و معنی داری باشد گرایش به صورت همگرایی و در صورت ارتباط منفی و معنی داری گرایش به صورت واگرایی است.

در مدل ۱، فقط معیار تجدید ارائه با ضریب ۰.۰۳- در واکنش به مدیریت منافع ذی نفعان با معیار پایداری سود در سطح خطای ۱۰ درصد ارتباط معنی داری دارد، که این ارتباط به صورت واگرایی

است. این در حالی است که این ارتباط بدون اثر تعدیل کنندگی مدیریت منافع ذی نفعان مثبت و معنی دار بوده است.

در مدل ۲، کلیه معیارها با اثر تعدیل کنندگی مدیریت منافع ذی نفعان دارای ارتباط معنی داری با معیار قابلیت پیش بینی دارند، به نحوی که ارتباط پایداری سود، ارقام تعهدی و تجدید ارائه با قابلیت پیش بینی به صورت واگرایی و مربوط بودن ارزش به صورت همگرایی می باشد. بدون حضور متغیر مدیریت منافع ذی نفعان هیچ کدام از معیارها با قابلیت پیش بینی ارتباط معنی داری ندارند. در مدل ۳، اثر ضرب متغیر مدیریت منافع ذی نفعان در معیارهای مربوط بودن ارزش و تجدید ارائه به ترتیب با ضرایب ۰.۲۹- و ۰.۴۲-، باعث واگرایی بین این معیارها و ارقام تعهدی می شود. ارتباط معنی دار معیارهای مزبور با ارقام تعهدی بدون متغیر تعدیل گر مثبت می باشد.

در مدل ۴، با پذیرش خطای ۱۰ درصد معیار پایداری سود با مربوط بودن ارزش به صورت واگرا و معیارهای قابلیت پیش بینی، ارقام تعهدی و تجدید ارائه در حضور متغیر تعدیل گر به ترتیب با ضرایب ۰.۰۱، ۰.۱۲ و ۰.۰۳ دارای گرایش همگرایی دارند. بدون حضور متغیر تعدیل گر فقط معیارهای ارقام تعهدی و تجدید ارائه با معیار مربوط بودن ارزش دارای ارتباط منفی معنی دار بوده است. و سرانجام در مدل ۵، معیار تجدید ارائه هیچ ارتباط معنی داری با سایر معیارها با وجود و بدون وجود متغیر مدیریت منافع ذی نفعان را ندارد.

جدول ۷- خلاصه نتایج معنی دار آزمون فرضیه دوم

| مدل | متغیر وابسته    | متغیر مستقل                        | نوع گرایش |
|-----|-----------------|------------------------------------|-----------|
| ۱   | پایداری سود     | تجدید ارائه در مدیریت ذی نفعان     | واگرا     |
| ۲   | قابلیت پیش بینی | پایداری سود در مدیریت ذی نفعان     | واگرا     |
|     |                 | اقدام تعهدی در مدیریت ذی نفعان     | واگرا     |
|     |                 | مربوط بودن ارزش در مدیریت ذی نفعان | همگرا     |
| ۳   | اقدام تعهدی     | تجدید ارائه در مدیریت ذی نفعان     | واگرا     |
|     |                 | مربوط بودن ارزش در مدیریت ذی نفعان | واگرا     |
| ۴   | مربوط بودن ارزش | پایداری سود در مدیریت ذی نفعان     | واگرا     |
|     |                 | قابلیت پیش بینی در مدیریت ذی نفعان | همگرا     |
|     |                 | اقدام تعهدی در مدیریت ذی نفعان     | همگرا     |
|     |                 | تجدید ارائه در مدیریت ذی نفعان     | همگرا     |

#### ۶- نتیجه‌گیری و بحث

با توجه به نتیجه آزمون فرضیه اول، مدیریت ذی نفعان با معیارهای پایداری سود، قابلیت پیش بینی و اقدام تعهدی ارتباط مستقیم و معنی داری دارد. به عبارت دیگر، مدیریت ذی نفعان باعث افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری بر اساس معیارهای مزبور می شود. هم چنین نتایج نشان می دهد که مدیریت منافع ذی نفعان هیچ ارتباط معنی داری با معیارهای مربوط بودن ارزش و تجدید ارائه ندارد. با توجه به اینکه در این پژوهش متغیر مدیریت منافع ذی نفعان بر اساس جریان نقدی پرداخت شده به ذی نفعان (سهامداران، اعتباردهندگان، عرضه کنندگان کالا و خدمات، کارکنان و دولت) یک معیار عینی جهت ارزیابی عملکرد واحد تجاری از منظر نظریه ذی نفعان محسوب می شود، لذا سنگ محکی برای ارزیابی معیارهای موجود کیفیت اطلاعات حسابداری می باشد. هم چنین با توجه به اینکه معیارهای مرتبط با ویژگی های اطلاعات حسابداری شامل پایداری سود، قابلیت پیش بینی و اقدام تعهدی می تواند تحت تاثیر اقدام تعهدی و مدیریت سود قرار گیرد، لذا ارتباط معنی دار و مستقیم این معیارها با مدیریت ذینفعان می تواند رویکرد اخلاقی نظریه ذینفعان را تایید نماید. به عبارت دیگر مدیرانی که بر اساس این رویکرد به منافع همه گروه های ذینفع بدون در نظر گرفتن قدرت نفوذ آن ها توجه می کنند، کمتر اقدام به تحریف اقدام تعهدی نموده و لذا کیفیت اطلاعات حسابداری از منظر دقت سود افزایش می یابد. از این رو، دیدگاه اول فرضیه های رقیب در خصوص مدیریت ذینفعان به عنوان یکی از معیارهای مرتبط با مسئولیت اجتماعی و کیفیت اطلاعات حسابداری مورد پذیرش قرار می گیرد. اما معیار مربوط بودن ارزش معیاری است که بیشتر از منظر سرمایه گذار( نه ذی

نفعان) مطرح می باشد و واکنش سرمایه گذار به گزارشات مالی، کیفیت بر اساس این معیار را تعیین می نماید. علاوه بر این، معیار تجدید ارائه معیاری است که در شرکت های نمونه این پژوهش اکثرا مرتبط با تعدیلات سنواتی مربوط به مالیات می باشد، که به نوعی بیشتر در بین ذی نفعان به حقوق دولت توجه می شود. لذا ممکن است عدم ارتباط معنی دار بین مدیریت ذینفعان با معیارهای مزبور که در طبقه معیارهای بیرونی لحاظ شده است، ناشی از توجه صرف آن ها به یک گروه از ذی نفعان یعنی به ترتیب سرمایه گذاران و دولت باشد.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه دوم، معیارهای کیفیت اطلاعات در واکنش به مدیریت ذینفعان در بیشتر موارد دارای روابط معنی دار به صورت همگرایی و واگرایی می باشد. هم چنین در مدل پنجم که معیار تجدید ارائه متغیر وابسته است، در حضور متغیر مدیریت ذینفعان هیچ ارتباط معنی داری بین این معیار و سایر معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری مشاهده نگردید. بنابراین مدیریت منافع ذی نفعان به عنوان یک عامل موثر در فرآیند حاکمیتی، روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری را تعدیل نموده و باعث تغییر گرایش معیارها نسبت به یکدیگر به صورت همگرایی و واگرایی شده است. به عنوان نمونه در مدل دوم، در حالت عادی هیچ یک از معیارهای کیفیت اطلاعات با قابلیت پیش بینی ارتباط معنی داری ندارند اما پس از ورود متغیر مدیریت منافع ذی نفعان به عنوان یک متغیر تعدیل گر، روابط بین معیارهای پایداری سود، اقدام تعهدی و تجدید ارائه با این معیار به صورت واگرا و روابط بین معیار مربوط بودن ارزش با قابلیت پیش بینی به صورت همگرا می شود. که این نتایج در سایر مدل ها نیز قابل مشاهده می باشد. بنابراین با توجه به اینکه در روابط همگرایی بین معیارهای کیفیت

## فهرست منابع

- اطلاعات حسابداری در مدل های مختلف و با حضور و بدون حضور متغیر مدیریت ذینفعان ثبات وجود ندارد، می توان نتیجه گرفت معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری، سازه مشابهی را اندازه گیری نمی کنند و لذا این معیارها نمی توانند به عنوان معیارهای جانشین مورد استفاده قرار گیرند. نتایج این پژوهش در راستای پژوهش ایورت و واگین هوفر (۲۰۱۵) می باشد که آن ها جهت بررسی روابط معیارهای کیفیت، انگیزه های مدیریت، ریسک عملیاتی و ریسک حسابداری را مدنظر قرار داده اند. نتایج مزبور نشان می دهد اول اینکه نوع روابط بین معیارهای کیفیت اطلاعات حسابداری به صورت نسبی می باشد. یعنی با ورود برخی متغیرهای تعدیل گر موثر با توجه به نوع تصمیم گیری، روابط بین معیارها تغییر می یابد. دوم، مطابق دیدگاه آن ها که معتقدند نتایج پژوهش های مرتبط با کیفیت به مفروضات مختلفی وابسته هستند نه به قدرت توصیف کیفیت در دنیای واقعی توسط معیارهای موجود، در این پژوهش مدیریت منافع ذی نفعان به عنوان یک پیش فرض روابط بین معیارهای کیفیت را دچار تغییر نمود و نشان داد نباید به نتایج معیارها به تنهایی و بدون توجه به مفروضات مدنظر بیش از حد اتکاء کرد.
- بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می گردد، اول اینکه ذی نفعان واحد تجاری به منظور اتخاذ تصمیم های اقتصادی و پژوهشگران این حوزه برای پژوهش های آتی خود به جهت افزایش اتکاء نتایج، به یک معیار اکتفا نکنند. ضمن اینکه به منظور بکارگیری معیارهای مختلف از معیارهای طبقات مرتبط با ویژگی های اطلاعات حسابداری و مرتبط با گروه های بیرونی (واکنش بازار و سایر معیارهای خارجی) استفاده نمایند. دوم، سازمان حسابرسی و بورس اوراق بهادار تهران به منظور وضع مقررات جهت افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری از منظر گروه های ذی نفع (نه صرفا سرمایه گذاران) بیشتر معیارهای مرتبط با ویژگی های کیفیت اطلاعات حسابداری را مدنظر قرار دهند. سوم، با توجه به تغییر گرایش روابط بین معیارهای کیفیت متناسب با نوع تصمیم گیری، قبل از استفاده از معیارهای مزبور نوع گرایش (همگرایی و واگرایی) تعیین گردد. چهارم، ناظران بازار سرمایه، حسابرسان و ذینفعان توجه به مدیریت منافع ذینفعان را به عنوان یک پیام مثبت در خصوص ارائه منصفانه صورت های مالی در نظر بگیرند.
- \* اشرفی، جواد؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و بنی مهد، بهمین (۱۳۹۸)، "نظریه های مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۳۱، صص ۱-۱۴.
- \* باقری، محمود؛ صادقان ندوشن، مهرداد، (۱۳۹۵)، "تئوری ذی نفعان در حقوق شرکت ها"، فصلنامه علمی تخصصی قضاوت، دوره ۱۶، شماره ۸۷، صص ۲۷-۵۸.
- \* حسین زاده، عبدالله؛ حاجیها، زهره؛ موسوی شیری، سیدمحمود و نیکومرام، هاشم (۱۳۹۹)، "بررسی همگرایی معیارهای انعکاسی و ترکیبی کیفیت سود در واکنش به مولفه های انگیزشی مدیران"، حسابداری مدیریت، دوره ۱۳، شماره ۴۵، صص ۹۱-۱۰۶.
- \* حصار زاده، رضا؛ حسین اعتمادی؛ عادل آذر و علی رحمانی، (۱۳۹۵)، "طراحی مدل کمینه سازی عدم اطمینان بر اساس معیارهای کیفیت داده های حسابداری"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۸۹-۱۳۶.
- \* کاظمی علوم، مهدی؛ مصطفی عبدی؛ محسن ختن لو و مژده جعفری، (۱۳۹۷)، "بررسی همگرایی مدل های اندازه گیری کیفیت سود"، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۶۹-۸۲.
- \* گل محمدی شورکی، مجتبی؛ پورحیدری، امید و بهارمقدم، مهدی، (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر مدیریت ذی نفعان بر سود تقسیمی و ارزش شرکت"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۳، صص ۳۷۱-۳۹۴.
- \* Adwan, Sami, Alhaj-Ismael, Alaa, Girardone, Claudia, (2020). Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 1-33.
- \* Beyer, Anne, Guttman, Ilan, Marinovic, Iva'n, (2019). Earnings Management and Earnings Quality: Theory and Evidence. The Accounting Review, 94, 77-101.
- \* Bhattacharya, U., Daouk, H., Welker, M., (2003). The world price of earnings opacity. The Accounting Review 78, 641-678.
- \* Cheng, Agnes, Li, Shuo, Zhang, Eliza Xia, (2020). Operating cash flow opacity and stock price crash risk. J. Account. Public Policy.
- \* Chih, H.-L., Shen, C.-H., Kang, F.C. (2008) Corporate Social Responsibility, Investor Protection, and Earnings Management: Some International Evidence, Journal of Business Ethics, Vol. 79:197-198.
- \* Choi, B. B., Lee, D., Park. Y. (2013) Corporate Social Responsibility, Corporate Governance and Earnings Quality: Evidence from Korea, Corporate Governance: An International Review, Vol. 21 (5):447-467.

- \* Greenwood, M., Kamoche, K., 2013. Social accounting as stakeholder knowledge appropriation. *J. Manag. Govern.* 17 (3), 723e743.
- \* Harrison, J.S., Boss, D.A. & Philips, A. (2010). Managing For Stakeholders, Stakeholder Utility Functions, and Competitive Advantage. *Strategic Management Journal*, 31(1), 58-74.
- \* IASB (2010). The Conceptual Framework for Financial Reporting. A21-A51.
- \* Jones, J. J. (2007). Earnings Management During Import Relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-22.
- \* Kaur, A., Lodhia, S., 2018. Stakeholder engagement in sustainability accounting and reporting. *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 31 (1), 338e368.
- \* Kim, Y., Park, M. S., Wier, B. (2012) Is Earnings Quality Associated with Corporate Social Responsibility, *The Accounting Review*, Vol. 87 (3):761-796.
- \* Kim, KA. and Limpaphayom, P. (1998). "Taxes and Firm Size in Pacific Basin Emerging Economies". *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*, 7 (1): 47-63.
- \* Laplume, A. O., Sonpar, K., & Litz, R. A. (2008). Stakeholder theory: Reviewing a theory that moves us. *Journal of Management*, 34(6), 1152e1189.
- \* Loy, Thomas(2016). "Stakeholder influence on earnings management: Ethical considerations and potential avenues". *Journal of Corporate Ownership and Control*, Vol. 13
- \* March, J., G. & Simon, H. A. (1958). *Organizations*. New York: Wiley.
- \* Mattingly, J. E., Harrast, S. A. & Olsen, L. (2009). Governance implications of the effects of stakeholder management on financial reporting, 3(9), 271-282.
- \* McNichols, M. ( 2002). Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review* 77(s-1): 61-69.
- \* Prior, D., Surroca, J., & Tribó, J. A. (2008). Are socially responsible managers really ethical? Exploring relationship between earnings management and corporate social responsibility. *corporate Governance: An International Review*, 16(3), 160-177.
- \* Schipper, K., Vincent, L., (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons* 17, 235-250.
- \* Sowden, Rod; Office, Cabinet (August 30, 2011). *Managing successful programmes*. Stationery Office. p. 59.
- \* Zhang, y, Perols, J, Robinson ,D, Smith ,T (2018), "Earnings Management Strategies to Maintain a String of Meeting or Beating Analyst Expectations". *Advances in Accounting*, Forthcoming, PP:1-39.
- \* Choi, J., Wang, H (2009) Stakeholder Relations And The Persistence Of Corporate Financial Performance, *Strategic Management Journal*, 30, 895-907.
- \* Clarkson, M.B.E.(1995) A Stakeholder Framework for Analyzing and Evaluating Corporate Social Performance, *Academy of Management Review*, 20, 92-117.
- \* Crane, A., Graham, C., & Himick, D. (2015). Financializing Stakeholder Claims. *Journal of Management Studies*, 52,7,878-906.
- \* Crutchley, C.E., Jensen, M.R.H. and Marshall, B.B. (2007), "Climate for scandal: corporate environments that contribute to accounting fraud", *The Financial Review*, Vol. 42 No. 1, pp. 53-73.
- \* Dechow, P. Ge, W & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: Are view of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 345.
- \* Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: Are view of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics* , 345.
- \* Dechow, P. , Ge, W. and Schrand, C. (2009) . Understanding Earnings Qquality: A Review of the Proxies, Their Determinants and Their Consequences, Working Paper, Haas School of Business, University of California, Berkeley.
- \* Dechow, P. R. Sloan and A. Sweeney. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review* 70, 193-225.
- \* Donaldson, T., & Preston, L. E. (1995). The stakeholder theory of the corporation: Concepts, evidence, and importance. *Academy of Management Review*, 20, 65-91.
- \* Easton, G, Harris, T. (1991). Earnings as an Explanatory Variable for Returns. *Journal of Accounting Research*, 29 .19-36.
- \* Ehsan, Sadaf, Nurunnabi, Mohammad, Tahir, Samya, Hashmi, Maaida. (2020). [Wileyonlinelibrary.com/journal/basr](http://Wileyonlinelibrary.com/journal/basr).
- \* Ewert, R. and A. Wagenhofer (2015), 'Economic Relations Among Earnings Quality Measures', *ABACUS*, Vol. 51, No. 3.311-355.
- \* Fan, Q., & Zhang, X. j. (2012). Accounting Conservatism, Aggregation, and Information Quality. *journal of accounting research* , 1-33.
- \* Freeman, R. E. and R. A. Philips: 2002, 'Stakeholder Theory: A Libertarian Defence', *Business Ethics Quarterly* 12(3), 331-349.
- \* Freeman, R. E. and R. A. Philips (2002). 'Stakeholder Theory: A Libertarian Defence', *Business Ethics Quarterly* 12(3), 331-349.
- \* Feijoo, B., Romero, S., Ruiz, S., 2014. Effect of stakeholders' pressure on transparency of sustainability reports within the GRI framework. *J. Bus. Ethics* 122 (1), 53e63.
- \* Freeman, R. (2010). *Strategic management: A approach*. (reprint of original 1984 ed.). Cambridge, U.K.: Cambridge University Press.
- \* Freeman, R.E. and Reed, D.L. (1983), "Stockholders and stakeholders: a new perspective on corporate governance", *California Management Review*, Vol. 25 No. 3, pp. 88-106.



*Accounting Knowledge & Management Auditing*  
Vol. 12/ No. 46/ Summer 2023

## **Assessing convergence and divergence between accounting information quality criteria: Stakeholder Management Theory Test**

**Abdullah Hosseinzadeh**

Ph.D Graduated, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Seyed Mahmoud Mousavi Shiri**

Associate Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran.

**Zohreh Hajiha**

Associate Professor, Department of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Hashem Niko Maram**

Professor, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Abstract**

Despite the importance of the quality of accounting information in economic decisions and extensive research in this area in the last two decades, the lack of a codified theoretical framework for analyzing and interpreting the quality and multiplicity of criteria has confused stakeholders. On the other hand, stakeholder management can be a benchmark for identifying criteria related to stakeholder interests and analyzing the type of orientation between them. The main purpose of this study is to investigate how the relationship between these criteria changes by considering the management of stakeholder interests as an effective factor in the governance process. This research is of applied type and has been done with correlation approach. The statistical sample of the study includes 163 companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period 2009 to 2017. The collected data were analyzed by combined data and least squares regression. Findings show that there is a positive and significant relationship between stakeholder interest management and criteria related to the quality characteristics of accounting information. Also, no significant relationship was observed between stakeholder interest management and criteria related to external groups. In addition, stakeholder management changed the relationship between accounting information quality criteria in the form of convergence and divergence. Therefore, first, capital market observers, auditors and stakeholders can consider the company's attention to stakeholder interest management as a positive message regarding the fair presentation of financial statements. Second, legislators need to pay more attention to criteria related to the characteristics of accounting information in order to regulate quality improvement from the perspective of stakeholders.

**Keywords:** Accounting Information Quality, Stakeholder Management, Convergence, Divergence.